

تحلیل نظریه «تبدیل حامل شخصی دین به

حامل نوعی» علامه طباطبایی *

** جواد رقوی

*** محمد اسحاق عارفی

چکیده

اهل سنت به طور عموم نزول «آیه اکمال» را در نهم ذی الحجه سال دهم هجرت دانسته و شأن نزول را اموری مانند فتح مکه، نزول احکام گوشت‌های حرام و... دانسته‌اند. در مقابل، شیعیان زمان نزول را هجدهم ذی الحجه و شأن نزول را ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام دانسته‌اند. پرسش این است که طبق دیدگاه اهل سنت چه رابطه‌ای بین این روزهای خاص با اموری مانند مایوس شدن کفار، اکمال دین و اتمام نعمت وجود دارد. در برابر دیدگاه شیعه نیز این سؤال مطرح است که این نظر با تعداد زیاد روایاتی که سبب نزول را روز عرفه دانسته‌اند چگونه قابل جمع است؟ صاحب تفسیر المیزان، دیدگاه‌های مختلف را بررسی نموده و سعی در اثبات دیدگاهی با عنوان «نظریه تبدیل حامل شخصی دین به حامل نوعی» دارد. همچنین علامه با پذیرش نزول آیه اکمال در هجدهم ذی الحجه، این احتمال را هم ممکن می‌شمارد که آیه در روز نهم نازل شده باشد و در روز هجدهم ابلاغ شده باشد. در این نوشتار با روش توصیفی، تحلیلی دیدگاه علامه مورد بررسی قرار گرفته و این نتیجه به دست آمده است که نظریه علامه سازگاری کامل با واژگان به کار رفته در آیات مربوط به ولایت دارد و در این صورت فرقی ندارد زمان نزول آیه اکمال را هجدهم ذی الحجه بدانیم یا نهم ذی الحجه، لیکن نحوه جمع روایات نزول توسط علامه قابل تأمل است، لذا در پایان روش دیگری برای جمع دو دسته روایات پیشنهاد شده است.

کلید واژه‌ها: اکمال دین، اتمام نعمت، علامه طباطبایی، حامل شخصی بقاء دین، حامل

نوعی بقاء دین، عید غدیر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** گروه فلسفه و کلام، نمایندگی خراسان، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران / j_raghavi@miu.ac.ir

*** گروه فلسفه و کلام دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدرس مدعو جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران /

eshagharefi43@gmail.com

آیه اکمال بخشی از آیه سوم سوره مائده است که در آن به کامل شدن دین اسلام در روز یا دوران خاصی اشاره شده است. خداوند متعال در این آیه فرموده است: «امروز آنانی که کافر شدند، از دین شما مایوس گشتند. از آن‌ها نترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پذیرفتم»؛ در آغاز این آیه یازده مورد از گوشت‌های حرام بیان شده است و سپس جمله مذکور آمده است و آن‌گاه فرموده است: «اگر کسی از روی اضطرار و ناچاری و نه از روی گناه چیزی از آنچه حرام شده استفاده کند، خداوند بخشنده و مهربان است».

در اینکه آیه اکمال در حجة الوداع سال دهم هجری نازل شده است اختلافی نیست، آنچه محل اختلاف بوده است زمان (سبب) نزول و شأن نزول آیه می باشد. در باب زمان نزول، عموم شیعیان قائل به نزول آیه در هجدهم ذی الحجة سال دهم هجرت می باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۲۶۵)، اگر چه روایاتی مبنی بر نزول در روز عرفه نیز وجود دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۹۱)

در مقابل، اهل سنت قائل به نزول آیه در روز عرفه نهم ذی الحجة هستند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۲۵؛ همو، ۱۴۰۸: ۵/۱۵۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۶) و البته روایاتی درباره نزول آیه در روز غدیر نیز نقل کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۹) اما در خصوص سبب نزول، شیعیان بالاتفاق معتقدند این آیه درباره ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام و واقعه غدیر خم نازل شده است. (امینی، ۱۳۶۸: ۲/۱۱۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۲۲۳) اما مفسران اهل سنت احتمالات مختلفی را به عنوان شأن نزول آیه بیان کرده‌اند، مانند ظهور اسلام و بعثت پیامبر، شکوه و عظمت اسلام در دوران یا روز فتح مکه، پاک شدن محیط مکه از وجود مشرکان بعد از اعلان سوره براءت، یکپارچگی امت اسلامی و عظمت مسلمانان در حجة الوداع، نزول آخرین احکام الهی درباره حلال و حرام در روز عرفه. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۲۳، طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۴۵)

تأمل در سخنان دو طرف نشان می‌دهد که هر دو طرف بین زمان نزول و شأن نزول نوعی ملازمه را فرض گرفته‌اند و موضوعی که هر یک از دو طرف در زمان یا شأن نزول اتخاذ کرده‌اند بر دیدگاه آن‌ها در موضع دیگر تاثیر گذاشته است، لذا تأکید مفسران شیعه بر نزول آیه در روز عید غدیر به خاطر آن است که شأن نزول را ابلاغ امامت حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند و اهل سنت که اصرار بر نزول آیه در روز عرفه دارند به خاطر مخالفت با دیدگاه شیعه است.

برای حل این نزاع عموماً هر یک از دو طرف به مستندات تاریخی و روایی تمسک کرده و به خاطر وجود روایت به نفع هر دو دیدگاه، هر گروه روایات مخالف را رمی به ضعف و جعل نموده‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۲۵)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، مباحث دقیق و مفصلی در تعیین زمان و شأن نزول آیه اكمال طرح کرده است. وی به استناد شواهد قرآنی و تحلیل عقلی، نکات بدیعی درباره تناسب میان محتوای آیه با آیات دیگر و با حوادث آن عصر بیان کرده و سعی نموده است دیدگاه شیعه را در شأن نزول آیه اكمال به اثبات برساند.

نکته محوری در دیدگاه علامه این است که می‌گوید مجموع شواهد دلالت می‌کنند که در این روز حادثه مهمی رخ داده است و آن حادثه سبب شده است وظیفه حفظ دین از عهده یک شخص بر عهده یک گروه نهاده شود و دین از مرحله تأسیس و حدوث به مرحله بقاء راه یابد و ضامن حفظ دین از شخص به نوع مبدل گردد و تنها چنین حادثه‌ای است که می‌تواند سبب یأس کفار و اكمال دین گردد. از این دیدگاه علامه در این نوشتار به «نظریه تبدیل حامل شخصی دین به حامل نوعی» یاد می‌شود.

از دیگر نکات بدیع علامه در ذیل این آیه، ارائه دیدگاه دومی درباره جمع بین روایات مربوط به نزول در روز عرفه با روایات مربوط به نزول در روز عید غدیر است.

۱. پیشینه پژوهش

درباره شأن نزول آیه اکمال و اینکه آیه در نهم ذی الحجه نازل شده است یا در هجدهم ذی الحجه، مباحث فراوانی در کتاب‌های تفسیری و کلامی شیعه و اهل سنت صورت گرفته است. همچنین نوشته‌های زیادی در دفاع از یک دیدگاه خاص مخصوصاً دیدگاه شیعه مبنی بر نزول آیه درباره ولایت نوشته شده است و به عدم تناسب آیه با احتمالاتی که اهل سنت بیان کرده‌اند، پرداخته‌اند، لیکن در بررسی صورت گرفته، غیر از علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، اثری که به چرایی یأس کفار و اکمال دین و اتمام نعمت با انتصاب حضرت علی علیه السلام به امامت و نسبت این دو بپردازد، مشاهده نشد.

همچنین اثری که این دیدگاه علامه را مورد بررسی قرار دهد، چنین وضعیتی دارد، لذا در این نوشتار با تحلیل سخنان علامه سعی شده است دیدگاه علامه در دو مسئله «سبب نزول» و «شأن نزول» آیه اکمال مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در نهایت راه حلی دیگری برای جمع روایات زمان نزول ارائه شده است.

۲. مقدمات علامه برای بیان سبب نزول آیه اکمال

علامه به منظور تفسیر آیه مقدماتی را بیان نموده است که به طور خلاصه چنین است.

۲.۱. معترضه بودن آیه اکمال

علامه طباطبایی معتقد است که عبارت «الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» یک عبارت معترضه در ضمن آیه سوم سوره مائده است و ارتباطی با قسمت آغازین و پایانی آیه ندارد. این دیدگاه علامه در مقابل نظر عموم اهل سنت است که معترضه بودن را قبول نداشته و معتقدند تمام آیه بیانگر یک واقعیت است. (آلوسی، ۱۴۱۷: ۳/۲۳۳ و ۲۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۲۶۳ و ۲۶۴)

شاهد علامه بر معترضه بودن این عبارت، این است که اولاً معنای صدر و ذیل آیه بدون این بخش کامل است و مفید است. در آغاز این آیه موارد یازده گانه‌ای از اشیاء حرام بیان می‌گردد و در ذیل آیه آمده است که در حال اضطرار می‌توان از این امور حرام استفاده کرد. پس معنای صدر و ذیل آیه بدون این بخش تمام است. ثانیاً روایاتی که شأن نزول را بیان کرده‌اند، موضوعشان آیه اکمال بوده است نه گوشت‌های حرام یازده گانه و این خود مؤید آن است که جمله: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...»، مستقل و جدای از صدر و ذیل آیه نازل شده است. سومین گواه بر معترضه بودن این جمله، روایتی است که صاحب در المنثور از عبد بن حمید از شعبی نقل کرده که گفته است:

آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وقتی بر رسول خدا ﷺ نازل شد که آن جناب در عرفه بود، و چون آن حضرت از هر آیه‌ای که خوشش می‌آمد دستور می‌داد در آغاز سوره‌اش جای دهند، این آیه را در اول سوره قرار دادند و جبرئیل به آن جناب تعلیم می‌داد که هر آیه را در کجا جای دهد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۵۸/۵)

بعضی مفسران دیگر نیز این عبارت را معترضه دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۴۶)

۲.۲. ارتباط مفهومی دو عبارت «الیوم ینس» و «الیوم اکملت»

اگر چه در نقل آیه اکمال عمدتاً بر قسمت «الیوم اکملت» اکتفا می‌گردد و عموماً این قسمت از آیه را به عنوان آیه اکمال می‌شناسند، لیکن هر دو جمله «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» به لحاظ معنا و مفهوم با هم مرتبط و بیانگر یک واقعه هستند و کلمه «یوم» در هر دو جمله اشاره به یک روز است. علامه می‌گوید: «إن هاتین الجملتین أعنی قوله: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» و قوله: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» متقاربتان مضموناً، مرتبطتان مفهوماً بلا ریب.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۸/۵)

توجه به این ارتباط کمک شایانی در فهم سبب نزول آیه و نیز زمان نزول می نماید، زیرا در قسمت اول خصوصیتی برای این روز بیان شده که روشنگر مقصود از «الیوم» در قسمت دوم است.

۳. «الیوم» در آیه چه روزی است؟

پس از این مقدمات، علامه این سؤال را مطرح می کند که مراد از این روز که در آیه دوباره مورد اشاره قرار گرفته است چه روزی است؟ علامه برای روشن شدن مطلب دو روش را در پیش می گیرند.

۳. ۱. بررسی سبب نزول بر اساس اقوال مفسران

مفسران درباره یوم دو احتمال مطرح کرده اند؛ یکی آنکه مراد از «یوم» دوره و برهه ای از زمان باشد و دوم اینکه مراد روز خاص باشد. فخر الدین رازی این احتمال را که «الیوم» در هر دو جمله به معنای دوره باشد، مطرح کرده است (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۶)، ولی بعضی مفسران شیعه تنها «الیوم» در جمله نخست را به معنای دوره دانسته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۴۶؛ طوسی، بی تا: ۳/۴۳۴)

علامه نخست به نقل اقوال و احتمالاتی می پردازند که مفسران در باره این آیه بیان کرده اند. بر حسب احتمال اول که مراد از یوم، دوره و برهه ای از زمان باشد نه یک روز مشخص، دوران بعثت و ظهور اسلام، دوران فتح مکه و ایام بعد از نزول آیه برائت را به عنوان معانی احتمالی «یوم» بررسی می گردد.

۳. ۱. ۱. «یوم» به معنای «برهه» و «دوره»

فرض نخست اینکه مراد زمان ظهور بعثت باشد؛ این احتمال درست نیست، زیرا اولاً لازمه اش این است در ایام ظهور بعثت مسلمانان دینی داشته باشند که کامل گردد و نعمتی که بر آنان تمام شود، درحالی که قبل از بعثت مسلمانان دینی نداشتند تا کامل گردد. ثانیاً در این صورت باید نخست «الیوم اکملت» باشد و سپس «الیوم

ینس» بیاید تا نظم کلام درست باشد، ولی در قرآن اول یأس کفار آمده و سپس اکمال دین. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۱۶۹-۱۶۸)

فرض دوم اینکه مراد ایام فتح مکه باشد؛ این احتمال نیز درست نیست، زیرا اولاً فتح مکه که در سال هشتم هجری اتفاق افتاد باعث اکمال دین و اتمام نعمت نشد، زیرا بسیاری از فرایض بعد از آن نازل شد. ثانیاً مراد از کفار تمام مشرکین اند نه فقط مشرکین مکه، لذا حتی بعد از فتح مکه بسیاری از دشمنی‌ها و پیمان‌نامه‌های عدم تعرض باقی بود و تا زمان اعلام سوره برائت مشرکان آزادانه و طبق رسوم جاهلی دور کعبه طواف می‌کردند. (همان: ۱۶۹)

فرض سوم اینکه مراد دوران بعد از نزول آیه برائت باشد که اسلام در جزیره العرب گسترش یافت و آثار شرک تقریباً از بین رفت. این احتمال نیز درست نیست، زیرا اگر چه بعد از نزول آیات برائت در ظاهر مشرکان عرب از دین مسلمانان ناامید شدند و بساط شرک از جزیره العرب برچیده شد، لیکن هنوز دین کامل نشده بود، زیرا بسیاری از فرایض و احکام بعد از آن نازل شد از جمله خود همین سوره مائده که به اتفاق نظر مفسران، در آخر عهد نبی نازل شد و بسیاری از احکام حلال و حرام و حدود و قصاص در آن بیان شده است. (همان: ۱۶۹)

با رد این فرض‌ها، علامه نتیجه می‌گیرند پس مراد از «الیوم» در این آیه باید روز خاصی باشد که آیه در همان روز نازل شده است [نه دوره و برهه‌ای از زمان]. (همان: ۱۷۰)

۳. ۱. ۲. «یوم» به معنای روز خاص یا روز نزول آیه اکمال

در این خصوص، علامه چهار فرض را بررسی می‌نمایند:
فرض اول، دوم و سوم این است که مراد روز بعثت یا روز فتح مکه یا روز اعلام سوره برائت باشد. این سه احتمال به همان دلایل پیش گفته قابل قبول نیست، زیرا بخش‌هایی از دین بعد این روزها نازل گردید.

فرض چهارم اینکه مراد روز عرفه حجة الوداع باشد؛ کما اینکه عموم مفسران اهل سنت این احتمال را پذیرفته‌اند و روایاتی نیز در این باب وجود دارد.

علامه در رد این احتمال می‌گوید در این صورت باید دید مراد از مأیوس شدن کفار در این روز چیست؟ اگر مراد یأس کفار مکه از غلبه بر مسلمانان باشد، آنان در روز فتح مکه مأیوس شدند و اگر مراد یأس کفار جزیره العرب باشد آنان در روز اعلام آیات برائت مأیوس شدند و اگر مراد یأس همه کفار و مشرکین باشد روشن است که آنان حتی در روز عرفه از غلبه بر مسلمانان مأیوس نشدند. در زمان حال نیز اسلام در همه نقاط جهان غالب نیست. (همان: ۱۷۰)

فرض پنجم ممکن است گفته شود مراد از «یوم» یکی از روزهای بین عرفه و ورود نبی ﷺ به مدینه است، ولی سبب یأس کفار و اکمال دین یکی از امور پیش گفته مانند نزول احکام حلال و حرام باشد. علامه این احتمال را نیز نادرست می‌داند، زیرا نقدهای پیشین بر آن وارد است و در واقع روز نزول تغییر کرده، ولی تناسب یأس کفار و معنای اکمال با چنین حوادثی دچار همان اشکالات است. (همان: ۱۷۴)

۳. ۱. ۳. احتمالات در معنای «اکمال»

علامه بر این فرض که مراد روز عرفه باشد تناسب این فرض را با خصوصیات که آیه برای این روز برشمرده یعنی یأس کفار، اکمال دین و اتمام نعمت بررسی می‌کند و در اینکه معنای اکمال چیست چند احتمال را طرح و نقد می‌نماید:

۱. مراد از اکمال این باشد که پیامبر ﷺ شخصاً در مراسم حج حضور یافتند و در مناسک حج را به مردم تعلیم دادند. این احتمال قابل پذیرش نیست، زیرا اولاً پیش از آن حج تمتع واجب شده بود و ارکان دین مانند نماز و روزه و حج و جهاد و غیره تشریح شده بود و و چه بسا بعضی از این امور در بین مسلمانان مهجور مانده بود و در این صورت، صرف تعلیم واجبی از واجبات دینی نمی‌تواند اکمال آن واجب باشد تا چه رسد به اینکه تعلیم یکی از واجبات سبب اکمال مجموع دین گردد. ثانیاً در این صورت لازم می‌آید قسمت دیگر آیه یعنی «الیوم یش...» بی ارتباط با این آیه باشد. (همان: ۱۷۰)

۲. مقصود از اکمال، نازل شدن بقایای احکام حلال و حرام باشد. این احتمال درست نیست، زیرا چنین امری نمی‌تواند سبب مأیوس شدن کفار گردد. علاوه بر

اینکه اگر مراد کفار عرب باشد در این صورت آن‌ها همه تظاهر به اسلام می‌کردند و کافری نبود که مأیوس گردد و اگر مراد همه کفار باشد که حتی شامل کفار نسل‌های بعدی نیز می‌گردد، معلوم است که آنان مأیوس نبودند. علاوه بر این روایات فراوانی از فریقین نقل شده که بعد از روز عرفه احکام و فرایض دیگری نیز نازل شد مثل روایت بخاری از ابن عباس که گفته است: «آخرین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد آیه ربا بود». (همان: ۱۷۱)

۳. مراد از «اکمال»، خلوص بیت الحرام از وجود مشرکان و دور کردن آنان از مکه باشد. این احتمال صحیح نیست، زیرا این حالت قبل از این سال در سال نهم به وجود آمده بود و وجهی به مقید کردن آن به روز عرفه حجة الوداع نیست. ثانیاً حتی اگر این حالت را اتمام نعمت بدانیم نمی‌توان آن را اکمال دین دانست، زیرا دین مجموعه‌ای از عقائد و احکام است و اکمال آن چیزی نیست جز افزودن اجزاء و ابعاض آن، و پاکیزه شدن محیط مسلمانان اکمال دین نیست. علاوه بر اینکه اشکال عدم یأس مشرکان نیز وارد است. (همان: ۱۷۲)

۴. مراد بیان تفصیلی و صریح محرمات در زمان قدرت و شوکت اسلام است به گونه‌ای که مسلمانان به راحتی به آنها عمل کنند و بیمی از کفار نداشته و نیازی به مدارا و مماشات با مشرکان نباشد. این احتمال نیز درست نیست، زیرا در واقع مجموع احتمالات گذشته است که در قالب یک احتمال آمده است، لذا اشکالات سابق بر آن وارد است. علاوه بر اینکه اولاً اگر مراد از مأیوس شدن به خاطر ظهور و قوت اسلام باشد این امر در سال فتح مکه یا در سال نزول آیات برائت اتفاق افتاد نه در سال دهم و در این صورت آیه باید بفرماید: «قد یئسوا».

کما اینکه خود قائل به این احتمال همین لفظ را به کار برده است، درحالی که در آیه فرموده است: «الیوم یئس».

ثانیاً بیان تفصیلی و صریح بعضی احکام نمی‌تواند اکمال دین باشد و حتی اگر بتوان آن را اکمال نامید اکمال بعض دین است، نه مطلق دین. علاوه بر اینکه احکام فراوانی قبل و بعد از این به تفصیل و تصریح بیان شده است و میتوان پرسید چرا آن احکام اکمال دین نیستند؟ (همان: ۱۷۳)

۵. مراد از اکمال دین بسته شدن باب تشریح باشد، یعنی بعد از نزول این آیه که بیان تفصیلی بعضی از محرمت است تشریح به انتها رسیده و حکم دیگری جعل نشده است. این احتمال نیز درست نیست زیرا طبق اخبار فریقین بعضی از احکام در بازه زمانی بین نزول سوره مائده و رحلت پیامبر ﷺ اتفاق افتاده است. علاوه بر اینکه در این صورت معنای قابل قبولی برای رضایت خدا به اسلام به عنوان دین نمی‌باشد، زیرا آیه در مقام امتنان است و چه وجه خاصی در بیان محرمت است که باعث رضایت الهی به دین اسلام گردد در حالی که احکام بسیار مهمتر قبل و بعد از آن نازل شده است؟! همچنین بسیاری از اشکالات وارده بر احتمالات سابق به این احتمال وارد است.

۳.۲. بررسی آیه بر اساس سیاق و شواهد قرآنی

گفته شد که علامه بحث پیرامون این آیه را با دو روش درپیش گرفته‌اند؛ آنچه گذشت مربوط به روش نخست بود که بررسی گفته‌های دیگران بود. در ادامه علامه می‌گوید اکنون بحث را به‌گونه‌ای دنبال خواهیم کرد که طریق خاص این کتاب است؛ و مراد ایشان تفسیر آیه بر حسب شواهد و قرائنی است که در خود آیه و آیات دیگر قرآن وجود دارد.

بنا بر روش مذکور، علامه به بررسی واژگان و ارتباط آیه با آیات دیگر می‌پردازند. حسب آیه این روز خاص چند خصوصیت دارد: ۱. کفار مأیوس شدند، ۲. جایی برای ترس از کفار نیست، بلکه مسلمانان باید از ناسپاسی خود و غضب الهی بیمناک باشند، ۳. دین برای مسلمانان کامل گردیده است، ۴. نعمت بر مسلمانان تمام شده است و ۵. خداوند اسلام را به عنوان دین پسندیده است.

در این روز اتفاقی افتاده که باید متناسب با این خصوصیات باشد. همان طور که اشاره شد از منظر مفسران اهل سنت این حادثه یکی از امور ذیل است:

- نزول موارد یازده‌گانه گوشت‌های حرام به عنوان آخرین جزء شریعت؛

- تعلیم مناسک حج توسط پیامبر ﷺ و خلوص بیت الحرام از وجود مشرکان و یکپارچگی جمعیت مسلمانان در مراسم حج.

علامه توضیح می‌دهد که این حوادث تناسبی با خصوصیات مذکور در آیه ندارند. صرف بیان چند حکم که مربوط به صورت ظاهری دین است نمی‌تواند اکمال کل دین باشد. همچنین تعلیم واجبی از واجبات دینی نمی‌تواند اکمال آن واجب باشد تا چه رسد به اینکه تعلیم یکی از واجبات سبب اکمال مجموع دین گردد. (همان: ۱۷۰)

وانگهی، خلوص ظاهری بیت الحرام از وجود مشرکان و یکپارچگی ظاهری جمعیت مسلمانان درحالی‌که در بین آنها منافقانی وجود دارد که به مراتب خطرناک‌تر و کینه‌جوتر از کفار هستند چگونه می‌تواند باعث یأس کفار، اکمال دین و اتمام نعمت به شمار آید؟ (همان: ۱۹۹)

علامه به منظور اثبات دیدگاه مورد نظر، به رابطه این خصوصیات با سبب نزول آیه پرداخته است. بدین منظور زمینه‌های امیدواری کفار نسبت به زوال اسلام و سبب ناامیدی آنان را پس از نزول آیه بیان می‌گردد.

۳. ۲. ۱. رابطه یأس کفار و نزول آیه

علامه برای اثبات اینکه مراد از اکمال روز خاصی بوده و نه یک دوره و برهه زمانی، به فرق بین باب افعال و تفعیل اشاره می‌کنند که اول، مفید دفعی و دوم، مفید تدریج است. (همان: ۱۷۷)

تعبیر «اکمال» در آیه شریفه نشان از کامل شدن دین به طور دفعی و در روز خاصی دارد نه تدریج و در برهه‌ای از زمان. بنابراین مراد از «الیوم»، روزی است که از خصوصیات آن یأس و ناامیدی کفار از دین اسلام است. کفار چه امیدی در دل می‌پروراندند که به خاطر حادثه‌ای که در روز نزول آیه اتفاق افتاده تبدیل به ناامیدی شده است؟ علامه اشاره می‌کند که «یأس» در مقابل «رجاء» است و دین به تدریج از طرف خدا نازل گردید، پس ناامیدی کفار در این روز دلالت می‌کند که کفار تا این روز در دین مسلمانان طمع داشتند و منتظر نابودی اسلام بودند و لازم بود مسلمانان از این جهت بیمناک باشند تا اینکه خداوند فرمود: «فَلَا تَحْشَوْهُمْ»؛ و این تأمینی بود از جانب خدا نسبت به خطری که مسلمانان را تهدید می‌کرد.

شاهد بر این مطلب آیاتی مانند:

- «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ». (آل عمران: ۶۹)

- «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا...». (بقره: ۱۰۹)

است که نشان می‌دهد دشمنی کفار با مسلمانان به خاطر دین آنها بود، لذا به طرق مختلف در پی بازگرداندن مسلمانان از دینشان بودند، ولی شوکت روز افزون اسلام تمام این امیدها را تبدیل به یأس کرد.

در این میان، آخرین امیدی که به نابودی اسلام داشتند مرگ پیامبر بود و از آنجا که پیامبر را اتر می‌دانستند امیدوار بودند با رحلت پیامبر ﷺ نبوت ایشان هم از بین برود و نام اسلام محو شده و قوانین و سنن نبی به فراموشی سپرده شود. (همان: ۱۷۶-۱۷۵)

روشن است که چنین امیدی با اموری مانند نزول یک یا چند آیه درباره حلال و حرام و یا شوکت روز افزون مسلمانان از بین نخواهد رفت. پس باید دید چه حادثه‌ای می‌تواند این انتظار کفار را نابود کند و امیدشان به نابودی اسلام با رحلت پیامبر ﷺ را تبدیل به یأس نماید؟

۳.۲.۲. تبدیل ضامن بقاء دین از حامل شخصی به حامل نوعی به مثابه سبب حقیقی یأس کفار

علامه می‌فرماید اگر درست دقت شود روشن می‌گردد که این آخرین امید کفار هنگامی تبدیل به یأس می‌گردد که کسی جانشین پیامبر گردد که در حفظ و بقای دین، مانند پیامبر باشد و با نصب او، دین از مرحله قیام به شخص به مرحله قیام به نوع برسد. به تعبیر دیگر حامل دین از شخص به گروهی از افراد واگذار گردد که در حفظ و بقای دین مانند پیامبر باشند. علامه از این حقیقت به تبدیل ضامن بقای دین از «حامل شخصی» به «حامل نوعی» نام می‌برد.

روشن است که مراد وی از نوع در اینجا معنای منطقی آن نیست، بلکه گروهی از افراد هستند که برای حفظ دین و ویژگی‌های لازم مانند علم لدنی و عصمت را دارند. این حقیقت در قالب ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام به عنوان امام معصوم صورت می‌پذیرد.

نیازی به ذکر نیست که از نظر علامه این ولایت با حضرت علی علیه السلام آغاز می‌گردد و در واقع ولایت همه امامان معصوم علیهم السلام است.

چنین حادثه‌ای سبب می‌گردد دین متکی به شخص نباشد تا با رفتن او دین او هم به فراموشی سپرده شود، لذا تا هنگامی که چنین تضمینی برای بقاء دین نیامده دین کامل نیست و نعمتی که به مردم داده شده تمام نیست، بلکه مانند خانه‌ای است که با رفتن متولی آن، هرکسی می‌تواند آن را به صورت دلخواه خود تغییر دهد و یا از اساس نابود کند. به عبارت دیگر دین در مرتبه حدوث به آخرین مرحله رسیده، ولی در مرتبه بقاء ناقص است. از این روی، تعیین متولی دین آن هم به شکل گروهی از افراد که خصوصیات لازم برای بقاء دین را داشته باشند «اکمال دین» است و دین را از صفت حدوث به صفت بقاء متحول می‌کند و حقیقتاً می‌تواند اتمام نعمت بر مسلمانان باشد.

علامه می‌گوید این واقعه قبلاً به پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داده شده و آن امری که در آیه ۱۰۹ سوره البقرة وعده آمدنش داده شده می‌تواند اشاره به این معنا باشد. (همان: ۱۷۶)

۴. سازگاری اکمال دین و اتمام نعمت با ابلاغ ولایت

علامه با اشاره به تفاوت «کمال» و «تمام» در لغت،^۱ درباره تفاوت «اکمال» و «اتمام» عنوان می‌کند «اتمام» هنگامی است که تاثیر هر یک از اجزاء یک کل منوط به وجود جمیع اجزاء است و اگر یک جزء نباشد تأثیری بر آن شیء مترتب نیست، مانند روزه که اتمام آن به این است که تمام شرایط و اجزاء آن رعایت شود و با آمدن تمام اجزاء روزه تمام می‌گردد، لذا فرمود: «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» (بقره: ۱۸۷)، اما «اکمال» در جایی است که هر جزء تاثیر خود را دارد و اثر مجموع همان آثار اجزاء است و هر جزئی که بیاید تاثیر آن جزء نیز خواهد آمد، اما هنگامی اثر مطلوب را خواهد داشت که آخرین جزء بیاید، مانند روزه که يك روز اثر يك روز را دارد، و

۱. «كَمَّالُ الشَّيْءِ: حَصُولُ مَا فِيهِ الْغَرَضُ مِنْهُ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۶)

۲. «تَمَامُ الشَّيْءِ انْتِهَائُهُ إِلَى حَدِّ لَا يَحْتَاجُ إِلَى شَيْءٍ خَارِجٍ عَنْهُ». (همان: ۱۸۶)

سی روز اثر سی روز را دارد، ولی اکمال روزه ماه رمضان به این است که انسان سی روز روزه بگیرد و به پایان رساندن در این قسم «کمال» نامیده می‌شود. شاهد این معنا، آیه شریفه است که فرموده: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ». (بقره: ۱۹۶)^۱ و نیز فرموده: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» (بقره: ۱۸۵)^۲، که در این‌گونه امور، اثر هم بر بعض مترتب می‌شود و هم بر کل.

شهید مطهری در توضیح دیدگاه علامه تفاوت «تمام» و «کمال» را اختلاف کیفی و کمی می‌داند. (مطهری، ۱۳: ۸۸-۸۹) به این معنا که در اکمال بر اجزاء یک شیء افزوده می‌شود مانند روزهای ماه و در اتمام بر کیفیت افزوده می‌شود مانند به‌جا آوردن تمام شرایط روزه در یک روز که سبب قبولی و تمام شدن روزه می‌شود.

طبق آنچه گفته شد در این روز خاص اتفاقی افتاده است که طی آن بر «دین»، به معنای مجموع معارف و احکام تشریح شده، چیزی افزوده شده است که سبب اکمال آن شده است؛ یعنی با این جزء، غرض از دین قابل حصول است و نعمت که حقیقتی معنوی است، گویا ناقص و بی‌اثر بود که امروز با این حادثه جدید تمام، و دارای اثر گردید و از جهتی آخرین امید کفار را به یأس کشانده است و جایی برای ترس از کفار باقی نگذاشته است. (طباطبایی، همان: ۱۸۰)

تردید نیست اموری که دیگران درباره شأن نزول آیه گفته‌اند با هیچ یک از خصوصیات مذکور برای این روز تناسبی ندارد، جز ابلاغ ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، زیرا با ابلاغ ولایت آخرین و بلکه مهم‌ترین جزء دین ابلاغ شده و دین کامل گردیده است. همچنین اگر چه مؤمنان از ولایت خدا و رسول برخوردار بودند، ولی این ولایت با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در معرض زوال و تحریف بود. پس در واقع، اعلان ولایت اولی الامر و تعیین «ولی امر» آن را تمام کرد و دین به مرحله‌ای رسید که خدا بدان رضایت داد، زیرا از مرحله حدوث به مرحله بقاء رسید و حفظ

۱. شما که حج تمتع می‌کنید باید که در منی قربانی کنید و اگر گوسفندی نیافتید، ده روز روزه بگیرید، سه روز در حج و هفت روز بعد از آنکه برگشتید، این ده روز کامل می‌باشد.

۲. و برای اینکه عده را به کمال برسانید.

دین از عهده شخص بر عهده گروهی نهاده شد که یکی پس از دیگری ضامن بقاء آن خواهند بود.

۵. انسجام معنایی دیگر آیات ولایت با «ابلاغ ولایت به مثابه اکمال دین»

علامه به آیاتی از قرآن استناد می‌جوید که دلالت دارند تنها حقیقتی که می‌تواند نعمت باشد، «ولایت» است و نعمت با ولایت اولی الامر به مرتبه تمام می‌رسد. آیات ولایت در قرآن ارتباط تامی با تحذیر در این آیه دارند و خداوند در قرآن مسلمانان را از خود برحذر نداشته است، مگر در باب ولایت و بارها در این مورد فرموده: «وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (آل عمران: ۳۰-۲۸). (همان: ۱۷۹)

در واقع، بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند مسلمانان را نسبت به ناسپاسی به آن تهدید کرده، نعمت «ولایت» است.

همچنین توجه به ارتباط اکمال دین با ولایت، سرّ تکرار امر به اطاعت در آیات ولایت را روشن می‌سازد.

«ولایت» یعنی تدبیر امور بندگان و ولایت الله تمام نمی‌گردد مگر به ولایت رسول و ولایت رسول نیز تمام نمی‌گردد مگر به ولایت اولی الامر. (همان: ۱۸۱) لذا فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (نساء: ۵۹)^۱ و نیز فرموده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ». (مائده: ۵۵)^۲

اینکه اطاعت اولی الامر در پی اطاعت خدا و رسول، و ولایت امام بعد از ولایت خدا و رسول تکرار شده است نشان از عدم اتمام نعمت به صرف برخورداری از ولایت نبی است.

ماحصل معنای آیه بعد از این مقدمات این گونه است که گویا خداوند می‌فرماید:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولو الامر خویش فرمان برید.
۲. جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و هم چنان که در رکوع اند انفاق می‌کنند.

امروز کفار از دین شما نا امید شدند، پس از آنان نهراسید بلکه از ناسپاسی خود بیمناک باشید، زیرا امروز مجموع معارف دینی را با وجوب ولایت برای شما کامل کردم، و نعمت خود را که همان ولایت یعنی اداره امور دین و تدبیر الهی بود بر شما تمام کردم، زیرا تا امروز شما تنها ولایت خدا و رسول را داشتید و این، تا هنگامی کفایت می کرد که وحی ادامه داشت و پیامبر در میان شما باشد، ولی بعد از انقطاع وحی و با رحلت رسولِ حامی دین، این نعمت موهوبه از بین می رفت؛ پس واجب بود کسی نصب شود که به جای نبی بنشیند و او ولیّ امر و سرپرست امور دین و امت بعد از رسول است. پس آن ولایت مشروع واحد، قبل از نصب ولیّ امر، ناقص و غیر تام بود و با نصب ولی امر تام گردید و هنگامی که دین کامل و نعمت ولایت تمام گردید پس راضی شدم به اسلام به عنوان دین شما. (همان: ۱۸۱ - ۱۸۲)

۶. دیدگاه علامه طباطبایی درباره زمان نزول آیه

علامه از مجموع بررسی های گذشته درباره سبب نزول نتیجه می گیرند که این برداشت از آیه موافق روایاتی است که نزول آیه را روز غدیر خم یعنی هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت و درباره ولایت حضرت علی علیه السلام می دانند و با این تفسیر، دو قسمت آیه ارتباط بسیار روشنی دارند و اشکالات پیش گفته نیز وارد نخواهد بود. (همان: ۱۷۶)

این همان دیدگاه نخست علامه در باب زمان نزول است، اما ذیل عنوان «بحث روایی دیگر»، دیدگاه دیگری را به صورت یک احتمال، مبنی بر نزول آیه در روز عرفه و ابلاغ آن در روز هجدهم ذی الحجه اظهار نموده است. روایاتی که علامه بیان نموده سه دسته اند:

۱. چند روایت از ابی سعید خُدَری و روایت محمد بن اسحاق از امام باقر علیه السلام و نیز روایت مرفوعه ابن مغزلی از ابوهیریه که اشاره به نزول آیه در روز عید غدیر دارد. (همان: ۱۹۴-۱۹۳)^۱

۱. عن ابی سعید الخدري: أن النبی صلی الله علیه و آله یوم دعا الناس إلى غدیر خم - أمر بما تحت الشجرة من شوك فقم، و ذلك یوم الخمیس - یوم دعا الناس إلى علی و أخذ بضبعه - ثم رفعها حتی نظر الناس إلى بیاض إبطیه -

۲. چندین روایت که درباره حادثه غدیر و آیه ابلاغ (مائده: ۶۷) رسیده و اشاره به نزول آیه اکمال درباره حضرت علی علیه السلام دارد، ولی سخنی از روز نزول در آن‌ها نیامده است. (همان: ۱۹۴)

۳. روایاتی که به طرق فراوان از صحابه نقل شده و منتهی به عمر بن خطاب، علی بن ابی طالب علیه السلام، معاویه و سمره بن جندب می‌گردد که طبق این روایات آیه کمال در روز عرفه حجه الوداع نازل شده است. (همان: ۱۹۶)

علامه بعد از نقل این اخبار ابتدا به همان دیدگاه نخست مبنی بر نزول آیه در روز غدیر اشاره می‌کند و می‌گوید مجموع این روایات نشان می‌دهد که آیه هنگام بازگشت پیامبر از مکه به مدینه نازل شده است و بیانگر فریضه‌ای است که قرآن مانند تولی و تبری بر آن تصریح کرده است، لذا اعتمادی بر روایاتی که خلاف این معنا را می‌رسانند نیست. (همان: ۱۹۶)

با این حال، علامه احتمال دیگری را مطرح می‌کند که می‌توان آن را دیدگاه دوم ایشان دانست؛ به این صورت که تدبر در دو آیه اکمال و آیه ابلاغ (آیه ۶۷ سوره مائده) و احادیث وارده در دو آیه و احادیث متواتری که درباره غدیر رسیده است، در کنار توجه به اوضاع جامعه اسلامی در آخرین روزهای حیات پیامبر صلی الله علیه و آله باعث یقین می‌گردد که امر ولایت قبل از روز غدیر نازل شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله در اظهار آن تقیه فرموده‌اند و از اینکه مردم آن را نپذیرند یا قصد سوئی در پیش گیرند و در نتیجه امر دعوت را مختل نمایند، نگران بودند، لذا دائماً ابلاغ ولایت را به تأخیر می‌انداختند تا اینکه آیه ابلاغ نازل شد و در آن هنگام دیگر امهال در ابلاغ ولایت را جایز ندانسته و به مردم اعلام کردند. بنابراین جایز است خداوند بیشتر آیات سوره مائده را از جمله سوره اکمال و آیات ولایت را در روز عرفه نازل کرده باشد، اما پیامبر بیان آن را برای مردم تا روز غدیر خم به تأخیر انداخته باشد. (همان: ۱۹۶)

ثم لم يفترقا حتى نزلت هذه الآية: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: الله أكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضا الرب برسالتی والولاية لعلی. ثم قال: اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.

بنابراین، طبق این احتمال، آیه اکمال در روز عرفه نازل شده و بعضی از صحابه آن را استماع کرده‌اند و مجدداً در روز غدیر پیامبر ﷺ آن را برای عموم مردم تلاوت نموده‌اند.

علامه در پاسخ این اشکال که ممکن است گفته شود بعضی روایات شامل این نکته‌اند که آیه در روز غدیر نازل شده است، می‌گوید بعید نیست تعبیر نزول در روز غدیر به خاطر تلاوت آن در این روز باشد. (همان: ۱۹۷)

در نتیجه بین دو دسته از روایات، یعنی آن دسته که دلالت بر نزول آیه در امر ولایت دارد و آن دسته که دلالت بر نزول در روز عرفه دارد، تنافی وجود ندارد. مؤید این سخن روایتی است که عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که طبق آن آیه اکمال در روز عرفه درباره ولایت حضرت امیر علیه السلام نازل شده است،^۱ اما آنچه در بعضی از روایاتی که نزول آیه را در روز عرفه دانسته‌اند آمده است مبنی بر اینکه اکمال دین همان اکمال حج و مانند آن است در واقع مربوط به برداشت و فهم راوی است و مطابق با قرآن و سنت نیست. (همان: ۱۹۷)

در واقع هدف این روایات این است که دین را به معنای صورت ظاهری دین شامل اعمال مسلمانان و به عنوان یکی از سنت‌های اجتماعی معنا کنند (نه معارف و حقایق) زیرا این معنای دین قابل فزونی و کاستی است و لذا در بعضی از سخنان اصحاب گفته شده «هیچ چیز کامل نشد مگر آنکه رو به کاهش نهاد» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۸)،^۲ لیکن چنین برداشتی از آیه درست نیست، زیرا همان طور که گذشت، صورت ظاهری دین صرف نظر از معارف، کمال نیست و باعث ناامیدی کفار نیز نمی‌گردد و اگر مراد ظاهر دین باشد و طبق نظر بعضی اصحاب، دین بعد

۱. عن جعفر بن محمد بن محمد الخزاعی عن أبيه قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لما نزل رسول الله صلى الله عليه وآله عرفات يوم الجمعة أتاه جبرئيل، فقال له: إن الله يقربك السلام، ويقول لك: قل لأمتك: اليوم أكملت دينكم بولاية علي بن أبي طالب وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً ولست أنزل عليكم بعد هذا، قد أنزلت عليكم الصلاة والزكاة والصوم والحج، وهي الخامسة، ولست أقبل عليكم بعد هذه الأربعة إلا بها. (عیاشی، ۱۴۲۱: ۱/۲۹۳)

۲. عن ابن أبي شيبه و ابن جرير عن عنترة قال: لما نزلت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و ذلك يوم الحج الأكبر، بكى عمر. فقال له النبي صلى الله عليه وآله ما يبكيك؟ قال: أبكاني أنا كنا في زيادة من ديننا، فأما إذ كمل فإنه لم يكمل شيء قط إلا نقص، فقال: صدقت. (الدر المنثور)

از کمال رو به نقصان نهد، جایی برای ناامیدی کفار و عدم ترس مؤمنان نیست، بلکه کفار باید امیدوار باشند که با افول دین دوباره آنها به سیادت برسند و مؤمنان باید بیمناک باشند که بعد از این دوران عظمت و عزت دوباره دوران افول و ذلت خواهد رسید. (طباطبایی، همان: ۱۹۹)

۷. بررسی دیدگاه علامه

دیدگاه علامه طباطبایی از دو منظر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ نخست در باب سبب نزول آیه اکمال است. علامه با تمایز بین زمان نزول و سبب نزول آیه وابستگی بین این دو مطلب را که بر دیدگاه شیعه و سنی سایه افکند بود کنار نهاده است. از آثار علمای فریقین عموماً این گونه برداشت می‌شود که نزول آیه در روز عرفه به معنای نزول آن در غیر مورد ولایت است و نزول در روز هجدهم ذی الحجه ملازم با نزول آیه در باره ولایت و جانشینی است. علامه این ملازمه را کنار نهاده و بحث را در دو مقام بررسی نموده است؛ در باب سبب نزول، احتمالات و اقوال دیگران را بررسی نموده و با ایتقان کامل به این نتیجه می‌رسد که آیه اکمال درباره اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام است.

نوع بررسی این مطلب در کلام علامه مستند به روش تفسیری قرآن به قرآن است و همان طور که گذشت به استناد شواهد فراوان از آیات دیگر و با بهره‌گیری از قرائن موجود در خود آیه و معنای اکمال و اتمام دین و مباحث دیگر نشان می‌دهند روزی که دین به اکمال رسیده و نعمت بر مؤمنان تمام شده و اسلام به عنوان دین خاتم مورد رضایت الهی قرار گرفته همان روزی است که مسئله ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اعلان شده است.

از ابداعات علامه این است که در مسئله جانشینی و اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام پی به خصوصیت این حادثه مهم می‌برد که همان تبدیل ضامن بقاء دین از حامل شخصی به حامل نوعی است.

اگر چه همه مفسران شیعه سبب نزول آیه اکمال را ابلاغ ولایت و امامت می‌دانند لیکن رابطه آن با یأس و ناامیدی کفار و مشرکین را به این صورت تبیین نکرده‌اند.

علامه با استناد به آیاتی که بیانگر امیدورای دشمنان به غلبه بر اسلام با رحلت پیامبر ﷺ است تبیینی منطقی از ارتباط ناامیدی کفار و ابلاغ ولایت ارانته نموده است.

علامه ارتباط اعلان ولایت و وصایت حضرت علی علیه السلام را با قسمت‌های دیگر آیه نیز به خوبی در قالب نظریه تبدیل حامل شخصی دین به حامل نوعی بیان نموده است. اگر چه در ظاهر آیه خصوصیتی مانند عدم لزوم ترس از کفار، لزوم ترس از خود، کامل شدن دین، تمام شدن نعمت و رضایت الهی به دین اسلام بیان شده است، اما ارتباط این امور با حادثه‌ای که سبب نزول آیه است نیازمند تبیین است و علامه به خوبی از عهده تبیین ارتباط مذکور برآمده است.

موضوع دوم در سخن علامه مربوط به زمان نزول آیه اکمال است. در این خصوص ظاهر سخن علامه خالی از نوعی ابهام نیست و معلوم نمی‌شود دیدگاه نهایی ایشان چیست! آیا زمان نزول را روز عرفه می‌دانند یا روز هجدهم ذی‌الحجه؟ در ابتدا و پایان بحث روایی از نزول آیه در هجدهم ذی‌الحجه دفاع نموده‌اند، ولی در ضمن این دیدگاه را نیز مطرح نموده‌اند که آیه در روز عرفه نازل و در روز هجدهم ابلاغ شده است. البته سخن علامه از این حیث که تلازم بین زمان نزول و سبب نزول را کنار نهاده‌اند کاملاً بجاست. معنای سخن علامه این است که فرقی نمی‌کند آیه اکمال در روز عرفه نازل شده باشد یا در غیر آن روز، در هر حال آیه درباره ولایت و تعیین تکلیف جانشین پیامبر ﷺ است و هیچ کدام از احتمالات دیگر با سیاق آیه و قرآن و شواهد موجود در قرآن سازگار نیست. لیکن سؤال این است که آیا احتمالی که علامه مطرح نموده است با شواهد و قرائن تاریخی، قرآنی و روایی هماهنگ است یا خیر؟ آیا می‌توان گفت آیه در روز عرفه نازل شده و در روز هجدهم برای مردم تلاوت شده است و مراد روایاتی که نزول آیه را در روز هجدهم دانسته‌اند همان تلاوت آیه بوده است نه نزول؟ در ادامه به تحلیل بیشتر احتمال مذکور که به عنوان دیدگاه دوم علامه در باب زمان نزول آیه مطرح شد، می‌پردازیم.

شکی نیست که دیدگاه دوم علامه مبنی بر نزول در روز عرفه می‌تواند راه حلی برای جمع دو طایفه از روایات باشد و از جهت دیگر، دیدگاه بعضی اهل سنت را که تلاش می‌کنند بر اساس نزول آیه در روز عرفه، سبب نزول را اموری غیر از ولایت

و امامت بدانند ابطال نماید. اما واقع این است که چند مشکل فراروی این فرضیه علامه وجود دارد.

اشکال نخست این است که فرض نزول آیه در روز عرفه با آیه ابلاغ^۱ ناسازگار است، زیرا همان طور که علامه اشاره کرده است بین آیه اکمال و آیه ابلاغ رابطه است (همان: ۱۹۶) در آیه ابلاغ به پیامبر دستور رسیده است: «ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده‌ای. خدا تو را از مردم حفظ می‌کند».

ظاهر آیه این است که اول آیه ابلاغ نازل شده است و سپس آیه اکمال، زیرا «ما انزل من ربک» اشاره به حقیقتی است که پیش‌تر بر پیامبر نازل شده است، ولی پیامبر آن را ابلاغ نکرده بود. آن حقیقت نمی‌تواند در قالب خود آیه اکمال باشد، بلکه آیه اکمال بیانگر ابلاغ آن حقیقت است. طبق نظر شیعه و به استناد روایات فراوان مراد از «ما انزل من ربک» حکم ولایت حضرت علی علیه السلام است و آیه ابلاغ قبل از روز هجدهم ذی الحجه نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸ / ۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶ / ۵۴) که در آن خداوند خبر در امان بودن از مردم را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد و پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده بود در غدیر خم به مردم ابلاغ فرموده است. (همان: ۶ / ۴۸) در این صورت تحقق اکمال دین و اتمام نعمت به ابلاغ حکمی است که درباره ولایت حضرت علی علیه السلام نازل شده است و اگر آیه ابلاغ بعد از عرفه و در مسیر غدیر خم نازل شده باشد لزوماً باید آیه اکمال بعد از آن نازل شده باشد، درحالی که طبق نظر علامه آیه اکمال در عرفه و قبل از روز غدیر نازل شده است.

همچنین فرض نزول آیه اکمال در روز عرفه مستلزم آن است که علی رغم اینکه در آیه بیان شده است که دین کامل و نعمت تمام شده است در واقع اکمال دین و اتمام نعمت اتفاق نیافتاده باشد، زیرا آن دو با ابلاغ ولایت محقق می‌گردند و هنوز ابلاغی صورت نگرفته است، لذا لازم می‌آید آیه خلاف واقع باشد، زیرا هنوز اکمال دین و اتمام نعمت صورت پذیرفته است.

۱. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ». (مانده: ۶۷)

البته به این اشکال می‌توان این‌گونه پاسخ داد که ممکن است اکمال دین به صرف تعیین امامت و ولایت حضرت علی محقق شود نه به ابلاغ آن. در این فرض، آیه اکمال اشاره به تعیین و حکم ولایت است و مراد از «ما انزل» که خداوند در آیه ۶۷ دستور به ابلاغ آن داده است آیه‌ای است که مشتمل بر بیان اکمال دین به نصب حضرت علی علیه السلام به مقام ولایت در علم الهی است، اگر چه هنوز به مردم ابلاغ نشده باشد. یعنی آیه اکمال که همان حکم ولایت و عین نصب حضرت علی علیه السلام به امامت است در روز عرفه بر پیامبر نازل شده است و به صرف نزول امر ولایت، دین کامل و نعمت تمام شده و آن‌گاه خداوند در آیه ابلاغ دستور به اعلام آن به مردم داده است و پیامبر در روز هجدهم ذی الحجه آن را برای مردم ابلاغ نموده است.

در این فرض، «الیوم» اشاره به روز عرفه است و مستلزم آن است که حتی اگر در روز غدیر دوباره این آیه نازل و تلاوت شده باشد اشاره به همان روز عرفه یعنی روزی باشد که با نزول حکم ولایت دین به اکمال رسیده و نعمت بر مسلمانان تمام شده است. به عبارتی مستلزم آن است «الیوم» به معنای «ذلک الیوم» یعنی روز عرفه باشد.

مشکل دوم؛ در ضمن روایاتی که علامه طباطبایی در بحث روایی نقل نموده است روایت ابی سعید خدری و روایت محمد بن اسحاق از امام باقر علیه السلام و نیز روایت مرفوعه ابن مغازلی از ابوهریره تصریح به نزول آیه اکمال در روز غدیر خم نموده‌اند و چنین آمده است: «ثم لم یفترقا حتی نزلت هذه الآية»، «فأنزل الله تعالی: «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دینَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ». (همان: ۱۹۵-۱۹۳) علامه برای حل مشکل می‌گوید: «بعید نیست این (تعبیر به نزول) به خاطر تلاوت این آیه همراه با تبلیغ امر ولایت باشد». (همان: ۱۹۷)

معنای سخن علامه این است که آیه در روز غدیر تلاوت شده و راوی تلاوت را نزول آیه پنداشته است. چنین برداشتی در حدیث ابی سعید خدری و حدیث ابی هریره محتمل است، زیرا تعبیر به نزول در این دو روایت کلام راوی است، اما در حدیث محمد بن اسحاق تعبیر نزول کلام امام علیه السلام است و نمی‌توان چنین احتمالی را برای سخن آن حضرت قائل شد.

بنابراین به نظر می‌رسد با صراحت موجود در آیه، توجیهی که علامه بیان کرده قابل قبول نیست و نمی‌توان گفت مراد از نزول تلاوت است. علاوه بر این علامه می‌فرماید: «همانا تنافی هنگامی است که یکی از دو دسته روایات دلالت بر نزول در روز غدیر خم داشته باشند و دیگری بر نزول در روز عرفه» (همان: ۱۹۷) و از آنجا که صراحتاً بعضی روایات دلالت بر نزول در روز غدیر دارند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۰/۲۰۰) و بعضی بر نزول در روز عرفه، باید گفت بین دو دسته روایات تنافی وجود دارد. شاید به همین دلیل است که علامه در ادامه به همان دیدگاه نخست بازگشته و مجدداً بر نزول آیه در روز عید غدیر تأکید می‌نماید. (طباطبایی، همان: ۲۰۰)

۷.۱. نزول دوباره آیه اکمال در قالب نزول ضمنی و فردی

در اینجا احتمال دیگری به عنوان جمع بین دو دسته از روایات وجود دارد و آن این است که قائل به نزول دوباره آیه اکمال باشیم. این احتمال را سید جعفر مرتضی بیان نموده است. وی در بررسی اینکه چه چیزی در روز عرفه باعث ناامیدی کفار گردید احتمالاتی را ذکر و بررسی نموده و در نهایت دیدگاهی شبیه دیدگاه علامه را برمی‌گزیند که که اکمال دین و یأس کفار به خاطر ایجاد علت مبقیه دین اسلام بوده که همان تعیین امامت و ولایت است. (عاملی، ۱۳۸۵: ۳۱/۳۰۶-۳۰۴) ایشان در مواجهه با دو دسته روایات، نزول آیه در روز عرفه را می‌پذیرد، ولی معتقدند آیه دوبار نازل شده است و در توضیح چگونگی نزول دوباره آیه اکمال می‌گوید:

به نظر ما چنین می‌رسد که سوره مائده یک مرتبه در روز عرفه به صورت یکجا و کامل نازل شده است و پیامبر آن را برای مردم خوانده است و آنان آیه اکمال را شنیدند. پیامبر تلاش فرمود امر امامت را در روز عرفه به مردم ابلاغ نمایند اما قریش و یاوران قریش مانع شدند. آن‌گاه حوادثی متوالی پیش آمد و در هر حادثه آیات مربوطه به صورت جدا نازل گردید. این گونه بود که آیه ابلاغ (مائده: ۶۷) بعد از عرفه نازل گردید و عصمت و محافظت از ناحیه خداوند برای پیامبر ﷺ آمد و بعد از آن در روز غدیر مبادرت به اعلان امامت

علی علیه السلام نموده و آیه اکمال را بر مردم تلاوت فرمودند، یا اینکه آیه اکمال بعد از نصب امام علی علیه السلام در روز غدیر و قبل از آنکه مردم متفرق شوند نازل گردید. بنابراین هر دو حدیث درباره نزول این آیه صحیح است، لیکن در روز عرفه در ضمن سوره مانده نازل شده است و در روز غدیر به صورت جدا از آیات دیگر، بلکه جدای از جملات دیگر همین آیه نازل شده است. (عاملی، همان: ۳۱۱-۳۱۰)

در ادامه ایشان شواهدی از مجامع حدیثی برای تأیید این دیدگاه بیان نموده است، از جمله به روایتی از طبرسی در احتجاج اشاره می نماید که طبق آن پیامبر صلی الله علیه و آله آیه اکمال را در روز عرفه بر مردم خوانده است درحالی که خداوند آن حضرت را به تبلیغ ولایت علی علیه السلام امر فرمود و در آن هنگام هنوز در امان بودن از مردم نازل نشده بود. (همان: ۳۱۱)

همان طور که در عبارت فوق مشاهده می شود جعفر مرتضی ابتدا همان دیدگاه علامه طباطبایی را مطرح نموده است که آیه اکمال در عرفه نازل شده است و در هجدهم تلاوت شده است، سپس این احتمال را طرح نموده که آیه بعد از نصب امام علی علیه السلام در روز غدیر دوباره به صورت جدای از کل سوره نازل شده است. آنچه در این احتمال قابل تأمل است و پذیرش آن را با مشکل مواجه می کند این است که روایات مربوط به نزول آیه در روز عرفه ناظر به خصوص این آیه است نه تمام سوره مانده. وانگهی، نزول آیه اکمال در ضمن نزول تمام سوره مانده اگر هم اتفاق افتاده باشد، تلاوت آن بر مردم در روز عرفه مشکل است.

۲.۷. نزول دوباره آیه اکمال در قالب دو نزول فردی

از آنجا که علی علیه السلام رغم روایات که نزول آیه را در روز غدیر دانسته اند، روایات فراوانی درباره نزول آیه اکمال در روز عرفه نیز وجود دارد، مانند روایتی که عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است، می توان گفت آیه یک مرتبه در روز عرفه همزمان با نزول حکم ولایت حضرت علی علیه السلام نازل شده است و در آنجا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تلاوت فرموده و عده خاصی از اصحاب که پیرامون حضرت بوده اند آیه را شنیده و نقل

نموده‌اند. در مرتبه بعد هم‌زمان با ابلاغ ولایت حضرت در روز غدیر مجدداً آیه بر پیامبر ﷺ نازل شده است و پیامبر ﷺ آن را در ضمن خطبه غدیر برای مردم تلاوت فرمودند. تفاوت این سخن با دو آن دو دیدگاه این است که طبق دیدگاه علامه در واقع یک نزول و دو تلاوت اتفاق افتاده است و راوی از تلاوت دوم تعبیر به نزول کرده است.

طبق نظر سید جعفر مرتضی دو نزول وجود داشته است؛ یکی نزول جمعی سوره مانده که متضمن نزول آیه اکمال است و دیگری نزول فردی آیه بصورت مستقل و جدای از کل سوره. لیکن طبق دیدگاه منتخب آیه دو نزول فردی داشته است، لیکن یک نزول قبل از ابلاغ ولایت و دیگری بعد از ابلاغ ولایت. در نزول نخست افرادی که نزدیک پیامبر ﷺ بوده‌اند آیه را شنیده‌اند، ولی آیه ابلاغ عمومی نشده است. اکمال دین نیز به این است که در آن روز حکم ولایت حضرت علی علیه السلام نازل شده و با نزول حکم ولایت، دین کامل و نعمت تمام شده است، ولی این اکمال و اتمام ابلاغ نشده است، لذا پیامبر ﷺ مورد خطاب «بلّغ» قرار گرفته است.

قابل توجه است که نزول دوباره یک آیه طبق نظر مفسران امری ممکن است و عده‌ای آن را درباره آیات سوره حمد قائل شده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۵) طبق این فرضیه هم تنافی بین روایات برطرف می‌گردد، زیرا دو دسته روایات ناظر به نزول دوگانه آیه در روز عرفه و روز غدیر خواهند بود و هم با هر دو فرضی که در ضمن مشکل اول بیان شد، یعنی چه اکمال دین را به صرف تعیین ولایت بدانیم چه به ابلاغ ولایت، سازگار است. بهر حال طبق هر دو دسته روایات، سبب نزول آیه اکمال چیزی جز امر ولایت و امامت و به تعبیر علامه طباطبایی تبدیل ضامن بقاء دین از حامل شخصی به حامل نوعی نخواهد بود.

نتیجه

حاصل آنکه در باب شأن نزول آیه اکمال دیدگاه علامه تمام است و هماهنگی کامل با شواهد عقلی و نقلی دارد. اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت خداوند به دین اسلام جز با نزول آن جزئی از دین که سبب بقای دین و ناامیدی کفار گردد

میسور نیست و احتمالاتی که دیگر مفسران در باب شأن نزول بیان کرده‌اند نمی‌تواند توجیه‌گر خصوصیتی باشد که برای آن روز بیان شده است.

علامه سر ارتباط تعیین جانشین پیامبر ﷺ با یأس کفار و دیگر خصوصیتی را که برای این روز در آیه بیان شده است در تبدیل حامل بقاء دین از شخص به نوع دانسته است. چنین حادثه‌ای ضامن بقاء دین است و از این روی خداوند آن را اکمال دین و اتمام نعمت نامیده است، چرا که پیش از آن بقاء و دوام دین وابسته به شخص پیامبر ﷺ بود، ولی با نزول آیه ولایت و تعیین امام، ضامن بقاء و دوام دین از شخص به نوع تبدیل یافت. به عبارت دیگر، در روزی خاص و در پی حادثه‌ای مهم، وظیفه حفاظت از دین از شخص نبی به سلسله امامان معصوم منتقل گردید.

طبیعی است تا هنگامی که بقای دین مبتنی بر شخص پیامبر ﷺ است این احتمال وجود دارد که با رحلت آن حضرت دین نیز دچار تغییر شده و با دسیسه‌های دشمنان از صفحه روزگار محو گردد یا آنچنان تحریف گردد که از حقیقت آن چیزی باقی نماند. درحالی‌که اگر ضامن بقاء دین گروهی باشند که یکی پس از دیگری وظیفه حفاظت از دین و هدایت جامعه را همانند شخص پیامبر ﷺ عهده دار گردند، بقاء دین تضمین خواهد شد و علی‌رغم رحلت پیامبر ﷺ، اگرچه ضایعه بزرگی است، لیکن دین استمرار خواهد یافت.

بنابراین چنین حادثه‌ای می‌تواند توجیه‌گر منطقی خصوصیتی باشد که در آیه برای آن روز مهم ذکر شده است. لیکن در باب زمان نزول آیه دیدگاه علامه مبنی بر نزول در روز عرفه و تلاوت در روز غدیر قابل مناقشه است و بعضی روایات که علامه از مضمون آن‌ها دفاع نموده است قابل جمع نیست، زیرا در این روایات تصریح شده است که نزول در روز غدیر بوده است.

دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی از آن جهت قابل مناقشه است که روایات مربوط به نزول آیه اکمال در روز عرفه ناظر به خصوص این آیه است نه تمام سوره مانده و ظاهراً روایتی وجود ندارد که دلالت بر نزول کل سوره مانده در روز عرفه داشته باشد. بنابراین، دیدگاه درست، همان دیدگاه سوم است که آیه اکمال یک‌بار در روز عرفه نازل شده است و با تلاوت آن، تنها عده‌ای که پیرامون پیامبر ﷺ بوده‌اند آن را شنیده‌اند بدون آنکه ابلاغ گردد، ولی در روز هجدهم ذی الحجه بعد از نزول آیه

ابلاغ و اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، فرشته وحی آن را دوباره بر قلب پیامبر نازل نموده است و آن حضرت آیه اکمال را برای عموم مردم تلاوت فرموده‌اند. این نزول دوباره سبب شده است عده‌ای نزول آیه را در روز عرفه بدانند و عده‌ای در روز غدیر خم و در هر صورت موضوع و شأن نزول آیه چیزی جز حکم انتصاب حضرت علی علیه السلام به امامت و تبدیل حامل شخصی دین به حامل نوعی نخواهد بود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۸)، *البدایة والنهایة*، تحقیق علی نجیب عطوی و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۲)، *تفسیر القرآن العظیم* (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دارالفکر.
- ابن مغزلی، علی (۱۴۰۳)، *مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دارالاضواء.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۷)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، تصحیح محمدحسین العرب، بیروت: دارالفکر.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶)، *الغدیر فی کتاب السنة و الادب*، طهران.
- بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۸۸)، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات بعثت.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.

- رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته علیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، مصحح: هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸)، جامع البیان عن تأویل آیات القرآن، بیروت: دارالفکر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
- العاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۲۶)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، قم: دار الحدیث.
- عیاشی، محمد (۱۴۲۱)، کتاب التفسیر، قم: تحقیق مؤسسه البعثة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، امامت و رهبری، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه.